صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

مواد مخدر

کشف ۱۵۰ بسته هروئین از معده ۲ قاچاقچی

۲ قاچاقچی با بلعیدن ۱۵۰ بسته هروئین قصد جابه‌جایی این محموله را داشتند؛ اما با هوشیاری پلیس دستگیر شدند. مأموران پلیس مبارزه با موادمخدر اصفهان در جریان کنترل خودروهای عبوری به ۲ سرنشین یک خودرو مشکوک و در ادامه موفق شدند از معده آنها ۱۵۰ بسته هروئین به وزن یک کیلو را کشف کنند.

نجات

کارگر معدن، فرشته نجات بیماران شد

اعضای بدن کارگر معدن گچ و سنگ آهک که هنگام کار بر اثر حادثه دچار مرگ مغزی شده بود به بیماران نیازمند اهدا شد. این کارگر ۳۲ ساله معدن سمنان که حسین لکزایی نام داشت، بر اثر سقوط یک سنگ بر سرش، دچار مرگ مغزی شده بود که اعضای بدن او با موافقت خانواده‌اش به چند بیمار نیازمند هدیه شد.

آن‌سوی مرز

زندان؛ تاوان سلفی مرگبار

دختر جوانی که به‌دلیل گرفتن عکس سلفی در هنگام رانندگی با یک موتورسیکلت تصادف کرده و باعث مرگ مرد موتورسوار شده بود، در دادگاهی در انگلیس به حبس محکوم شد.

در ۱۵ سپتامبر سال ۲۰۲۱ میلادی مرد ۶۴ساله‌ای به نام دیوید سینار که به‌تازگی یک موتورسیکلت خریده بود، سوار بر آن در خیابانی در شهر بورنموث انگلیس مسیر خانه را در پیش گرفته بود که حادثه‌ای هولناک برایش رخ داد. کمی آن‌طرف‌تر از او، دختر ۲۰ساله‌ای به نام امبر پاتر که پشت فرمان ماشینش در حال رانندگی بود، گوشی موبایلش را به‌دست گرفته و در حال گرفتن عکس سلفی بود تا آن را برای پسر مورد‌علاقه‌اش بفرستد و همین باعث شد که متوجه مرد ۶۴ساله که سوار بر موتورش در حال حرکت بود نشود و ناگهان با او برخورد کند.

شدت این تصادف به حدی بود که مرد ۶۴ساله به گوشه‌ای پرتاب شد و غرق در خون روی زمین افتاد. به‌دنبال این حادثه، ماجرا به اورژانس و پلیس گزارش شد و پیکر غرق خون دیوید سینار به بیمارستان منتقل شد.

همزمان با این اتفاق، دختر جوان که مقصر این تصادف شناخته شده بود، بازداشت شد. در بررسی‌های پلیسی معلوم شد که وی در زمان تصادف در حال گرفتن عکس سلفی از خودش بوده و هیچ توجهی به رانندگی‌اش نداشته است.

درحالی‌که تلاش پزشکان برای نجات جان موتورسوار ۶۴ساله ادامه داشت، او به‌دلیل شدت جراحات جانش را از دست داد. این در حالی بود که بررسی‌ها نشان می‌داد وی به‌تازگی از بیماری سرطان گریخته و بازنشسته شده و تصمیم گرفته بود زندگی تازه‌ای را در پیش بگیرد.

با مرگ دیوید سینار، گزارش‌های مختلفی درباره این حادثه در رسانه‌ها منتشر شد و همه از قصور دختری می‌گفتند که هنگام رانندگی در حال استفاده از شبکه‌های اجتماعی بوده و همین باعث شده که جان یک مرد را بگیرد.

در این شرایط، دختر ۲۰ساله به اتهام قتل ناشی از رانندگی خطرناک پای میز محاکمه رفت و در شرایطی که اعتراف کرده بود هنگام تصادف در حال گرفتن عکس سلفی بوده است، چند روز پیش در دادگاهی در انگلستان محاکمه شد و قضات دادگاه او را به تحمل ۳ سال و نیم حبس و همچنین ۴۵ ماه محرومیت از رانندگی محکوم کردند.

دانستنی‌های حقوقی

دردسرهای همسایه‌ای که شارژ نمی‌دهد

یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که مدیران ساختمان را درگیر کرده، پرداخت‌نکردن شارژ یا همان هزینه‌های مشترک ساختمان برای حفظ و نگهداری مشاعات توسط برخی از ساکنان است. حال اگر واحدی شارژ خود را پرداخت نکند، چه باید کرد؟

فریده مهرالحسنی، وکیل پایه یک دادگستری، می‌گوید: قانونگذار در ماده ۱۰ قانون تملک آپارتمان‌ها این مورد را پیش‌بینی کرده است. طبق این ماده، چنانچه واحدی شارژ خود را پرداخت نکند، مدیر یا هیأت‌مدیره ساختمان با مراجعه به یکی از دفاتر خدمات قضایی اظهارنامه‌ای با ذکر مبلغ بدهی و صورت ریز آن برای مالک یا مستأجری که شارژ خود را پرداخت نکرده، از طریق دفتر خدمات ارسال می‌کند.

او می‌افزاید: چنانچه مالک ظرف مدت ۱۰ روز از ابلاغ اظهارنامه نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام نکند، مدیر ساختمان می‌تواند از دادن خدمات مشترک از قبیل آب، برق، موتورخانه و... به او خودداری کند. قطع و خودداری از خدمات مشترک تا زمان پرداخت بدهی می‌تواند ادامه داشته باشد. البته باید دقت شود که قطع خدمات تنها مربوط به خدمات مشترک است.

مهرالحسنی ادامه می‌دهد: درصورتی که مالک اقدام به تسویه‌حساب نکند و شارژ خود را پرداخت نکند، مدیر باید به اداره ثبت محل وقوع آپارتمان مراجعه و درخواست صدور اجراییه کند. اجراییه روشی است برای وادارکردن فرد به پرداخت بدهی شارژ معوقه، بدون نیاز برای مراجعه به دادگاه. حکم اجراییه در اداره ثبت منطقه صادر و به بدهکار ابلاغ می‌شود.

او ادامه می‌دهد: پس از این اقدام، عملیات اجرایی طبق مقررات اجرای اسناد رسمی صورت می‌گیرد و ارائه خدمات به فرد بدهکار قطع می‌شود.

این وکیل پایه یک دادگستری می‌گوید: اما درصورتی که عدم‌ارائه خدمات مشترک ممکن یا مؤثر نباشد، مدیر یا مدیران می‌توانند از طریق محاکم قضایی شکایت خود را پیگیری کنند. دادگاه معمولا خارج از نوبت رسیدگی، واحد بدهکار را از دریافت خدمات دولتی محروم و تا ۲ برابر مبلغ بدهی جریمه می‌کند که باید به‌حساب صندوق ساختمان واریز شود.

استفاده مجدد از خدمات، موکول به پرداخت هزینه‌های معوق واحد مربوطه بنا به گواهی مدیر یا مدیران یا به حکم دادگاه و نیز هزینه مربوط به استفاده مجدد خواهد بود.

گفت‌وگوی همشهری با مردی که در بیشتر حوادث دریایی خلیج‌فارس حاضر است

۱۶۰ نفر را در دریا نجات داده‌ام

گفت‌وگو: فتانه احدی، روزنامه‌نگار

قایق صیادی بعد از برخورد با یک شیء در دریا، سوراخ و به سرعت غرق شد. ۴ صیادی که داخل قایق بودند تنها امیدشان برای زنده ماندن، تکه چوبی بود که از قایق به جا مانده بود. لحظات برای آنها ترسناک و دلهره‌آور بود و در شرایطی که خطر مرگ تهدیدشان می‌کرد، در نهایت توانستند با مرکز نجات دریایی تماس بگیرند و درخواست کمک کنند. پس از تماس آنها بود که مرد همیشه حاضر در صحنه‌های حادثه در خلیج‌فارس وارد ماجرا شد؛ مردی به نام منصور شجاعی که سال‌هاست کارش امدادرسانی و نجات در خلیج‌فارس است و تا حالا موفق شده صیادان زیادی را در دریا از خطر مرگ نجات دهد. منصور شجاعی پس از اطلاع از حادثه‌ای که برای ۴ صیاد جوان رخ داده بود، به سرعت دست به‌کار شد و با حضور در محل حادثه توانست هر ۴ صیاد را از خطر مرگ نجات دهد. این همیار ناجی که ۱۸ سال است جان و مال خود را در راه نجات انسان‌ها و کمک به صیادان و دریانوردان به خطر انداخته و تا حالا بیش از ۱۶۰ نفر را در دریا نجات داده است حالا در گفت‌وگوی اختصاصی با همشهری از فعالیت‌هایش می‌گوید و اینکه چطور تصمیم گرفته زندگی‌اش را وقف امدادرسانی در دریا کند.

در ابتدا خودتان را معرفی کنید؟

من فرهاد شجاعی ۳۸ ساله، متاهل، فوق‌لیسانس علوم دریایی و همیار ناجی در آب‌های خلیج‌فارس هستم. ۱۸ سال است که به‌عنوان ناجی در دریا مشغول امداد و نجاتم. تقریبا از ۱۵ سالگی بود که غواصی و غریق نجات حرفه‌ای را شروع کردم و بعد از گذراندن دوره‌های غواصی و غریق نجات به‌صورت رسمی در سال ۲۰۰۱ گواهینامه غواصی را از کشور انگلستان دریافت کردم.

چه شد که تصمیم گرفتید همیار ناجی شوید؟

وقتی نوجوان بودم، با پدر مرحومم که ملوان بود، به اداره بنادر می‌رفتم و با دیدن کشتی‌ها و قایق‌ها به دریانوردی، غواصی و به‌طور کلی فعالیت در دریا علاقه‌مند شدم. یادم می‌آید در آن زمان که بندرلنگه تجهیزات امداد و نجات و غواصی نداشت، یکی از کشتی‌های بازرگانی که از کیش به بندر لنگه آمده بود، با ۴۰۰ مسافر به‌دلیل اینکه طنابی به پروانه موتور کشتی گیر کرده بود، در دریا متوقف شد و نمی‌توانست حرکت کند. برای حل مشکل کشتی، نیاز به غواص حرفه‌ای داشتند و به همین دلیل زمان زیادی طول کشید که مشکل کشتی حل شود. در آن زمان نوجوان بودم و با دیدن این صحنه تصمیم گرفتم در آینده غواص و ناجی امداد و نجات شوم.

تاکنون چند نفر را در دریا نجات داده‌اید؟

بیش از ۱۶۰ سرنشین قایق و شناورهای حادثه‌دیده در غرب استان هرمزگان را نجات داده‌ام.

کارتان را به‌عنوان همیار ناجی چطور آغاز کردید؟

از دوران نوجوانی آموزش‌های غواصی و غریق‌نجات دیدم. در غرب استان هرمزگان، اداره بنادر و دریانوردی مدت‌ها هیچ غواص و ناجی‌ای نداشت؛ بنابراین تصمیم گرفتم امدادرسانی به حادثه‌دیدگان دریا را آغاز کنم. برای این کار ابتدا یک شرکت ثبت کردم. از چند نفر به‌عنوان نیرو کمک گرفتم و ۳ قایق تندروی امداد و نجات و یک شناور تهیه و تجهیز کردم. همه این اقدامات با هزینه شخصی خودم انجام شد. یک ایستگاه و مرکز جست‌وجوی دریایی در غرب استان راه‌اندازی کردم و سال‌ها به این کار ادامه دادم تا اینکه از سال ۷۹ اداره کل بنادر و دریانوردی هرمزگان مرا پذیرش کرد و از من خواست که به‌عنوان همیار ناجی به آنها کمک کنم.

از این راه درآمد هم داشتید؟

امداد و نجات را به‌صورت رایگان و تنها با هدف انجام کار خیر انجام می‌دهم. البته حمایت‌های معنوی آقای مکی‌زاده، معاون دریایی اداره کل بنادر و دریانوردی هرمزگان نیز تأثیر زیادی در ادامه فعالیتم داشت.

در کدام منطقه به امدادرسانی مشغول هستید؟

جزیره ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک، جزیره سیری، جزایر فارور بزرگ و کوچک. این مکان‌ها مناطقی است که در آب‌های آن غواصی و امداد و نجات انجام داده‌ام و با آب‌های این مناطق آشنایی کامل دارم. حتی عمق همه نقاط دریا را می‌دانم. همه اینها باعث می‌شود که عملیات امداد و نجات با سرعت و دقت بیشتری انجام شود.

بیشتر در چه حوادثی از شما به‌عنوان همیار ناجی درخواست کمک می‌شود؟

هر حادثه غیرمنتظره‌ای که در دریا برای افراد یا شناورها اتفاق بیفتد. از لنج، قایق و کشتی‌های تجاری و بازرگانی گرفته تا قایق‌های کوچک صیادی اگر دچار مشکلات فنی و نقص شوند، اگر نیروی انسانی و نفراتشان دچار مشکل شوند، بیمار داشته باشند یا حتی اگر یکی از سرنشینانشان به دریا افتاده باشد، من وارد عمل می‌شوم.

یعنی اگر شناور نقص فنی هم داشته باشد، شما به کمک‌شان می‌روید؟

بله. من تعمیرکار کشتی و قایق نیز هستم. در وسط آب اگر موتور کشتی، قایق و شناور دچار نقص فنی شود، می‌توانم تعمیرش کنم. حتی پیش آمده که به یگان‌های نظامی، انتظامی و نیروی دریایی که در دریا دچار مشکل شده‌اند، کمک کنم؛ مثلا سال ۷۴ یک روز که در حال انجام کار زیر یک کشتی در دریا بودم، قایق تندروی نیروی دریایی سراغم آمد و به من گفتند که شما غواصید و ما به کمک‌تان نیاز داریم. با آنها به وسط دریا رفتم و متوجه شدم که یک لندینگ‌کرافت با بیش از ۲۰۰ نیروی نظامی در دریا گیر کرده است. آن لندینگ‌کرافت، نیروهای نظامی را برای تعویض شیفت از تنب به بندر لنگه منتقل می‌کرد. در راه طناب دور پروانه موتورش پیچیده بود و کشتی قادر به حرکت نبود. وقتی رسیدیم با تجهیزاتی که داشتیم زیر آب رفتم و پروانه را آزاد کردم.

درباره ماجرای نجات ۴ صیاد که قایق‌شان غرق شده بود و فیلم نجات‌شان چندی قبل در شبکه‌های اجتماعی دست به‌دست شده بود، توضیح دهید.

تاریخ دقیقش را به‌خاطر ندارم، اما ساعت یک بامداد، از سوی مرکز جست‌وجوی دریایی با من تماس گرفتند و مرا در جریان غرق شدن یک قایق ماهیگیری قرار دادند. با گرفتن موقعیت مکانی محل حادثه به‌سوی موقعیت در ۷ یا ۸ مایلی جزیره تنب کوچک، به راه افتادم. هوا تاریک بود و با جست‌وجو در آن حوالی ۴ صیاد را دیدم که روی آب شناور بودند. آنها با گرفتن چوب و تخته بیشتر از ۳ ساعت روی آب شناور بودند؛ این در حالی بود که به‌دلیل خوردن آب شور بی‌حال شده بودند. در آن زمان دریا مواج بود و خطرناک. بلافاصله شروع به کار کردم و آنها را یکی پس از دیگری داخل شناور کشیدم. یکی از آنها از ناحیه پا به‌شدت آسیب دیده بود، اما به‌طور کلی حال عمومی‌شان خوب بود. این افراد از صیادهای بندر گشه در حوالی بندر لنگه بودند که برای ماهیگیری به دریا زده بودند. آنطور که ناخدا می‌گفت، قایق‌شان به شیئی در آب برخورد کرده و سوراخ و غرق شده بود.

آخرین عملیاتی که فرهاد شجاعی با موفقیت به سرانجام رساند، نجات ۴ صیادی بود که قایق صیادی آنها در دریا غرق شده بود

خطرناک‌ترین عملیات‌هایی که در آنها حضور داشته‌اید، چه بودند؟

حدود یک سال پیش، یک یدک‌کش از بندرعباس به‌سوی جزیره لاوان در حرکت بود. ساعت ۳:۳۰ دقیقه صبح، این یدک‌کش در نزدیکی لاوان با یک کشتی تصادف کرد و غرق شد. همه پرسنل و خدمه آن توانسته بودند روی آب بیایند، اما کاپیتان گیر کرده و با یدک‌کش به عمق ۴۸ متری دریا رفته بود. ناجی‌ها و غواص‌های ارگان‌های مختلف ۳ روز تلاش کردند تا بتوانند یدک‌کش و کاپیتان را پیدا کنند، اما نتوانستند به عمق ۴۸ متری بروند. بعد از آن با من تماس گرفتند. من با تجهیزات به عمق دریا رفتم و در تاریکی آب به‌دنبال یدک‌کش و کاپیتان بودم. تا اینکه توانستم یدک‌کش را در عمق دریا پیدا کنم، در یدک‌کش بر اثر فشار آب پرس شده بود؛ بنابراین شیشه‌های یدک‌کش را شکستم و داخل رفتم و در یک اتاق جسد کاپیتان را یافتم. واقعا صحنه ناراحت‌کننده‌ای بود. به هر ترتیبی بود او را با خود به سطح آب آوردم.

دردناک‌ترین عملیاتی که در آن شرکت کردید، چه بود؟

چند سال پیش، مرا در جریان بیماری یک جوان ۲۱ ساله در یک کشتی قرار دادند. کشتی از بندر خرمشهر به سمت بندرعباس در راه بود، اما یکی از پرسنل کشتی به‌شدت بیمار شده بود و نیاز داشت که هرچه زودتر به بیمارستان منتقل شود. وقتی با من تماس گرفتند، قرار شد که من جوان بیمار را در نزدیکی بندر لنگه سوار قایق تندروی خودم کنم و به بیمارستان برسانم، اما آن روز قایقم سوخت نداشت. کشتی در ۳۶ مایلی بندر لنگه بود و من به اندازه ۵ مایل سوخت داشتم. با اداره بنادر تماس گرفتم و مشکلم را گفتم. همزمان برای اینکه دیر نشود به پمپ بنزین رفتم و سوخت موردنیاز را تامین کردم و به‌سوی قایقم که در ساحل اداره بنادر بود به راه افتادم، اما به‌دلیل اینکه حمل سوخت به اداره بنادر ممنوع است، نتوانستم سوخت را به داخل ببرم. همه این اتفاقات باعث اتلاف وقت شد و وقتی به کشتی رسیدم از طریق کاپیتان متوجه شدم که دیر شده و جوان بیمار جان خود را از دست داده است.

بیشترین مشکلاتی که در مسیر امداد و نجات در دریا دارید، چیست؟

هزینه تجهیز و نگهداری قایق‌ها و لوازم امداد و نجات. من همه این تجهیزات را با هزینه شخصی خودم تهیه کرده‌ام. بارها در جلسات به مسئولان گفته‌ام که نیاز به کمک و حمایت دارم. عاشق نجات دادن جان انسان‌ها هستم، اما به من به‌عنوان همیار ناجی کمکی نمی‌شود. مشکل دیگری که با آن مواجه هستم، تهیه سوخت است که امیدوارم مسئولان به آن توجه کنند.

مکث

نجات عجیب

در سال ۹۹، یک لنج تجاری از بندر تجاری دوبی به‌سوی بندر لنگه می‌رفت که در بین راه به‌دلیل توفانی شدن دریا، لنج سوراخ شد و داشت غرق می‌شد. با هر سختی‌ای که بود به‌سوی لنجی که داشت غرق می‌شد رفتم. ۷ نفر را روی لنج نیمه‌غرق‌شده دیدم. آنها را با مشقت سوار قایق کردم. ملوان پیری که دشداشه بر تن داشت ترسیده بود و از ترس حرکت نمی‌کرد. هر لحظه امکان داشت با لنج زیر آب برود. بنابراین مجبور شدم وارد دریای مواج و توفانی شوم تا او را نجات دهم. به هر سختی‌ای بود توانستم در آخرین لحظات او را نجات دهم. دقیقا در همان لحظه که او را به قایق خود فرستادم، لنج غرق شد. خود من هم کنترلم را در این دریای مواج از دست داده بودم و نزدیک بود غرق شوم. حتی توفان دریایی به حدی شدید بود که نتوانستیم خودمان را به بندر لنگه برسانیم و به بندر صیادی «شناس» که نزدیک‌تر بود، رفتیم و اینگونه آن ۷ نفر نجات پیدا کردند.

داخلی

جنایت به‌خاطر ساعت مچی

پلیس در تعقیب ساعت فروش دوره‌گردی است که به‌خاطر اختلاف بر سر ۲ ساعت مچی با ضربات چاقو همکارش را به قتل رسانده و به مکان نامعلومی گریخته است.

به گزارش همشهری، ساعت ۵ عصر روز شنبه، دوم تیرماه مرد جوانی در شرایطی که دست و سینه‌اش خون‌آلود بود و بر اثر اصابت ضربات چاقو مجروح شده بود از خانه‌ای در حوالی خیابان ستارخان بیرون آمد. مرد مجروح هنوز چند قدمی برنداشته بود که نقش بر زمین شد و به‌دلیل شدت جراحات وارده و خونریزی جانش را از دست داد. لحظاتی بعد از این حادثه بود که مرد دیگری که دستانش خون‌آلود بود هراسان از همان خانه خارج شد و با عجله از آنجا فرار کرد.

دقایقی بعد به دستور قاضی سالار صنعتگر، بازپرس دادسرای امور جنایی گروهی از مأموران پلیس آگاهی خود را به محل رساندند و تحقیقات در این‌باره آغاز شد. در بررسی‌های اولیه معلوم شد مردی که هراسان از خانه بیرون رفته، عامل جنایت است. او دوست مقتول بود اما با وی اختلاف پیدا کرده و دست به جنایت زده بود.

کارآگاهان در ادامه تحقیقات میدانی خود به اطلاعات بیشتری دست پیدا کردند. خانه‌ای که قاتل و مقتول از آن خارج شده بودند متعلق به یک زن بود. او آنجا را به پاتوقی برای افراد معتاد و قمارباز تبدیل کرده بود و افراد خلافکار در این خانه جمع می‌شدند و او اتاق‌های خانه را به آنها اجاره می‌داد.

یکی از افرادی که هنگام وقوع درگیری در این خانه حضور داشت، برادر متهم به قتل بود. او در جریان تحقیقات به مأموران گفت: برادرم و دوستش ساعت‌فروش دوره‌گرد بودند و در خیابان بساط پهن می‌کردند و ساعت مچی می‌فروختند. آنها مدت‌ها بود که با یکدیگر شریک بودند و هیچ مشکلی نداشتند اما روز حادثه بر سر ۲ ساعت مچی با هم دچار اختلاف شدند. هرکدام از آنها ادعا می‌کردند که این دو ساعت برای خودش است و بر سر همین موضوع با هم درگیر شدند. متهم ادامه داد: وقتی درگیری بالا گرفت برادرم که عصبانی شده بود چاقویی برداشت و با آن چند ضربه به دوستش زد و او را مجروح کرد. مرد مجروح با همان وضعیت از خانه بیرون رفت اما در کوچه روی زمین افتاد و جانش را از دست داد. برادرم هم از ترس از آنجا فرار کرد و دیگر هیچ اطلاعی از او ندارم.

براساس این گزارش به دستور بازپرس جنایی پیکر مقتول برای انجام معاینات تخصصی به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات برای دستگیری عامل جنایت ادامه دارد.

دستگیری سیب‌زمینی‌فروش کلاهبردار

فروشنده دوره‌گرد با کپی کردن کارت بانکی مشتریانش به حساب بانکی آنها دستبرد می‌زد.

به گزارش همشهری، سرهنگ سیدمصطفی مرتضوی، رئیس پلیس فتای اصفهان در این باره گفت: در پی مراجعه تعدادی از شهروندان به پلیس فتا و اعلام شکایت مبنی بر اینکه مبالغی بدون اطلاعشان از حساب بانکی آنها برداشت شده، بررسی این موضوع در دستور کار کارشناسان پلیس قرار گرفت.

وی ادامه داد: در بررسی‌های اولیه مشخص شد که برداشت از حساب مالباختگان از طریق دستگاه پوز فروشگاه‌ها و با کارت بانکی شاکیان صورت گرفته است. در ادامه تحقیقات معلوم شد همه مالباختگان از یک سیب‌زمینی‌فروش دوره‌گرد خرید کرده بودند. این موضوع نشان می‌داد که فروشنده دوره‌گرد کارت بانکی آنها را با دستگاه اسکیمر کپی کرده و در مجموع حدود ۱۳۰ میلیون تومان از حساب بانکی آنها برداشت کرده است. به این ترتیب، مأموران پلیس فتا با تحقیقات گسترده موفق شدند متهم را شناسایی و او را در استان دیگری دستگیر کنند.

جنایت خانوادگی با ۴ قربانی

پلیس در تعقیب مردی است که در جنایتی هولناک همسر و ۳ دخترش را به قتل رساند و گریخت.

به گزارش همشهری، این جنایت روز شنبه دوم تیرماه در شهرستان بیضا واقع در استان فارس اتفاق افتاد و در جریان آن پدر یک خانواده همسر و ۳ دخترش را به قتل رساند. مرکز اطلاع‌رسانی پلیس فارس با تأیید این خبر اعلام کرد: مأموران پلیس از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ از مرگ ۴ نفر از اعضای یک خانواده آگاهی پیدا کردند و پس از بررسی‌های اولیه مطلع شدند که مادر ۲۵ ساله و ۳ فرزند دخترش توسط شوهرش به قتل رسیده‌اند. پلیس فارس جزئیات بیشتری از این جنایت منتشر نکرده، اما در عین حال اعلام کرده که قاتل متواری است و تلاش برای دستگیری او ادامه دارد.

پرونده جنایت شب ولنتاین در دادگاه

جنایی

پرونده مردی که در شب ولنتاین در جنایتی هولناک نامزدش را با ضربات چاقو به قتل رسانده و خودزنی کرده بود، درحالی‌که خود جان سالم به در برده است، با صدور کیفرخواست به دادگاه فرستاده شد.

به گزارش همشهری، شامگاه ۲۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۲ تیم بررسی صحنه پلیس آگاهی راهی صحنه یک قتل در حوالی پل استخر واقع در شرق تهران شد. آنها در محل با یک پراید سفیدرنگ مواجه شدند که روی صندلی شاگرد جسد زنی ۲۲ ساله قرار داشت که با ضربات چاقو به قتل رسیده بود. همچنین روی صندلی مجاور مردی ۲۶ ساله قرار داشت که او نیز با ضربات چاقو به‌شدت مجروح شده، اما هنوز زنده بود. در این شرایط وی به بیمارستان منتقل و تحقیقات دراین‌باره آغاز شد.

برادر مقتول که پلیس و اورژانس را خبر کرده بود، دراین‌باره به مأموران گفت: مقتول دخترخاله‌ام و نامزد برادرم بود. آنها حدود ۶ سال بود که نامزد کرده بودند و قصد داشتند با یکدیگر ازدواج کنند؛ اما با هم دچار اختلاف شده بودند. او ادامه داد: آنها قصد داشتند به مناسبت ولنتاین به رستوران بروند؛ اما برادرم تماس گرفت و درحالی که به‌سختی حرف می‌زد، گفت کمک لازم دارم. او آدرس را فرستاد و وقتی به آنجا رسیدم با این صحنه مواجه شدم.

بررسی صحنه جنایت نشان می‌داد که مرد جوان ابتدا با ضربات چاقو نامزدش را به قتل رسانده و در ادامه خودزنی کرده است. هرچند او دچار جراحت‌های شدیدی شده بود، درنهایت با تلاش کادر درمان از مرگ نجات یافت. در این شرایط بود که وی بازداشت شد و انگیزه‌اش از ارتکاب این جنایت را برملا کرد. او گفت: ۶ سال قبل به خواستگاری دخترخاله‌ام رفتم و با یکدیگر نامزد شدیم. نامزدم برادری داشت که از خودش بزرگ‌تر بود. خانواده آنها می‌گفتند که باید ابتدا برادرش ازدواج کند و بعد ما مراسم عروسی‌مان را برپا کنیم؛ اما پسرخاله‌ام تن به ازدواج نمی‌داد. چند مرتبه تلاش کردیم جشن‌مان را برگزار کنیم، اما هربار عروسی عقب می‌افتاد تا اینکه با یکدیگر دچار اختلاف شدیم. من هم که از این ماجرا عصبانی بودم، آن شب تصمیم گرفتم به‌طور جدی با نامزدم صحبت کنم. قبل از آن یک چاقو خریدم و سر قرار رفتم. وقتی او سوار ماشین شد حرف‌هایم را شروع کردم؛ اما او گفت باید جدا شویم. ۶ سال عمرم را پای او گذاشته بودم و شنیدن این جمله خیلی برایم سخت بود. چاقو را برداشتم و ۲ ضربه به او زدم و درنهایت خودزنی کردم؛ اما او جانش را از دست داد و من زنده ماندم.

به‌دنبال اعترافات متهم او صحنه جنایت را بازسازی کرد و چند روز قبل با تکمیل تحقیقات پرونده این جنایت با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و قرار است متهم به‌زودی در دادگاه محاکمه شود.